Al-Mustafa International University

Discourse of History

Print ISSN: 2383 - 1944
Online ISSN: 2783 - 235X

Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

Investigating the economic consequences of Amir Timur Gorkani's triple attacks on Iran

Ali Sarhadi, [1] Jafar Nouri✉, [2], and, Shahnaz Hojati [3]

1.Master's degree in History of Islamic Iran, University of Meybod, Iran. E-mail: a.sarhadi@yahoo.com
2.Department iranlogy, Faculty Humanities, University meybod, Meybod, iran. E-mail: k.fathi@cfu.ac.ir
3.Department of Iranology, Faculty of Humanities, University of Meybod, Iran. E-mail: hojati@ meybod.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 11 August 2025
Received in revised form 17 October 2025
Accepted 17 February 2026
Available online 30 June 2026

Keywords:
Timor,
economy,
famine,
agriculture,
commerce,
Industry.

ABSTRACT

Destruction and killing are both natural consequences and military and governmental tactics of every attack and war, which leaves various social, cultural and economic consequences, effects that can drmmag a civilization even to the abyss of transformation or destruction.

Timur's triple attacks were no exception to this rule. He was not the first world-wide invader to Iran, but examining how his attacks affected the economy based on agriculture, commerce, and to a lesser extent industrial Iran can shed light on one of the transitional periods of Iranian civilization.

The description of these invasions from the side of their impact in the field of economy will reveal the situation of Iran before the beginning of the Renaissance period in Europe. These economic effects can be analyzed in 5 dimensions: the loss of labor force, the creation of inflation and famine, the destruction of cities, the implementation of new and strict tax policies, and the stagnation of the farmer-oriented economy due to environmental damage, which we will discuss in this article. Paying to explain one of the last conquests of the middle centuries from the aspect of economic developments.

Cite this article: Sarhadi, A. Nouri, J. & Hojati, S. (2026). Investigating the economic consequences of Amir Timur Gorkani's triple attacks on Iran. *Discourse of History*, *20* (54), 7-17.

https://doi.org/ 10.22034/SKH.2025.16949.1458

© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: https://doi.org/ 10.22034/SKH.2025.16949.1458

سخن تاریخ

شاپا چـــاپی: ۱۹۴۴-۲۳۸۳
شاپا الکترونیکی: ۲۳۵X-۲۷۸۳

Homepage: https://skh.journals.miu.ac.ir

بررسی پیامد اقتصادی حملات سه گانه امیر تیمور گورکانی به ایران

علی سرحدی [۱]، جعفر نوری✉ [۲] و شهناز حجتی نجف آبادی [۳]

۱- کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه میبد، ایران. رایانامه: a.sarhadi@yahoo.com
۲- نویسنده مسئول، استادیار گروه ایرانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه میبد، ایران. رایانامه: j.nouri@meybod.ac.ir
۳- گروه ایرانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه میبد، ایران. رایانامه: hojati@meybod.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
علمی - پژوهشی

تاریخ دریـافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
تاریخ انـتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۹

کلیدواژه‌ها:
تیمورلنگ،
حملات سه گانه،
پیامدهای اقتصادی،
کشاورزی،
بازرگانی،
ایران.

چکیده

جنگ‌ها و تهاجمات نظامی همواره آثار و پیامدهای منفی به همراه دارند . از جمله حوزه‌های که از جنگ تاثیر مستقیم می‌پذیرد، حوزه اقتصاد است. در واقع جنگ‌ها و تهاجمات نظامی اولین تـأثیر خـود را روی تولید و اشتغال می‌گذارند. با تخریب زیرساخت‌ها و کاهش تولید تاثیر منفی بر اقتصاد می‌گذارند. حملات سه‌گانه تیمور لنگ به ایران، شامل یورش سه ساله ۷۸۸ تا۷۹۰ ه ق، یورش پنج ساله ۷۹۴ تا۷۹۹ ه ق و یورش هفت ساله ۸۰۱ تا ۸۰۷ ه ق ، نیز از جمله تهاجماتی بود که پیامدهای زیانباری در حوزه اقتصادی برای جامعه ایرانی به همراه داشت. بر این اساس بررسی پیامدهای حملات تیمور در زمینه اقتصـادی در ایران، مساله اصلی این پژوهش است. یافته های پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، نشان می دهد، که کشت و کشتار و از میان رفتن نیروی انسانی، کاهش تولیدات و بـروز قحـط و غلا، تخریب شهرها، اجرای سیاستهای مالیاتی جدید و سختگیرانه به نفع حکومـت و در نهایـت رکـود اقتصاد کشاورز محور به علت صدمات وارد بر محیط زیست، از مهمترین پیامـدهای حمـلات تیمـور در حوزه های اقتصادی در ایران است.

استناد: نوری، جعفر؛ سرحدی، علی؛ حجتی، شهناز (۱۴۰۵). بررسی پیامد اقتصادی حملات سه گانه امیر تیمور گورکانی به ایران، ۲۰ (۵۴)، ۱۷-۷.
https://doi.org/ 10.22034/SKH.2025.16949.1458

ناشر: جامعهٔ المصطفی (ص) العالمیه.
© نویسندگان.

۱. مقدمه

بعد از مرگ آخرین ایلخان، ابوسعید بهادر خان(۷۱۶-۷۳۶ه.ق)، جامعه ایرانی با هرج و مرج و بحران‌های جانشینی روبه رو شد. امیران، وزیران و سرمداران قدرت در گوشه و کنار ایران اعلام استقلال کردند. در نتیجه این چنین شرایطی بود که ایران زمین بین قدرت‌های مختلف تقسیم شد. در همین دوران چندپارگی سیاسی در داخل خاک ایران و کشمکش‌های بین قدرت‌ها بود که در ماوراءالنهر، در خطه کشِ سمرقند، تیمور گورکان از قبیله برلاس با تکیه بر توانایی های فردی خود قدرت گرفت. تیمور بعد از فتح مناطق مختلف ماورالنهر نوک پیکان توسعه طلبی خود را متوجه نواحی داخلی ایران کرد. وی با سه حمله شامل یورش سه ساله ۷۸۸ تا۷۹۰ ه ق، یورش پنج ساله ۷۹۴ تا۷۹۹ ه ق و یورش هفت ساله ۸۰۱ تا ۸۰۷ ه ق موفق به فتح مناطق مرکز و غربی ایران شد. هر چند این یورش سه گانه با حذف حکومت های محلی وحدت سیاسی و امنیت را در داخل خاک ایران ایجاد کرد. اما تبعات زیانباری در حوزه‌های مختلف علی الخصوص حوزه اقتصادی بر جای گذاشت.

درباره تأثیرات منفی اقتصادی حملات سه گانه تیمور به ایران، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و پژوهش های انجام شده در این زمینه بیشتر به صورت اختصار به حملات و ابعاد سیاسی و مذهبی آنها پرداخته اند. در بین پژوهش های نزدیک به پژوهش حاضر می توان به موارد ذیل اشاره نمود؛ کتاب بررسی تحولات تاریخ ایران در دوران تیموریان و ترکمانان آق قوینلو و قراقوینلو(میرجعفری، ۱۳۸۰) که به بررسی تحولات تاریخ ایران در دوران تیموریان و ترکمانان آق قوینلو و قراقوینلو اختصاص یافته است و به صورت مختصر به توصیف حملات سه گانه تیمور به ایران پرداخته است. مقالهٔ « پژوهشی درباره قیام مردم اصفهان در سال ۷۸۹ه ق » (فرخی،۱۳۸۹) که به بررسی واکنش مردم اصفهان نسبت به حمله تیمور پرداخته و تا حدودی پیامدهای سیاسی حمله تیمور در اصفهان را بررسی نموده است. بررسی اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در دوره تیموریان(فهیم،۱۳۸۳) عنوان پایاننامه ایست که تمرکز اصلی نویسندگان بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و هنری شهرسمرقند بوده است. اما نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی و بر اساس داده های منابع دست اول بر آن است تا پاسخی مناسب برای این پرسش بیابد که تأثیرات اقتصادی حملات سه گانه تیمور بر ایران چه بوده است؟

۲. یورش‌های سه گانه تیمور به ایران

اولین تهاجم تیمور گورکان به ایران با عنوان یورش سه ساله شناخته می‌شود که در بازه زمانی ۷۸۸ تا ۷۹۰ه.ق اتفاق افتاد. شرف الدین علی یزدی، مورخ قرن هشتم و نهم هجری در کتاب خویش با عنوان، ظفر نامه شامی، یورش سه ساله تیمور به ایران را معلول اقدامات توقتمیش حاکم دشت قبچاق می داند. او می نویسد: «جایی که پادشاه توقتمیش بر حرکتی ناشایست اقدام نموده لشکری گران قریب نه تومان اکثر ایشان کفّار فجّار نامزد تبریز کرد در فصل زمستان به تبریز رسیدند و حوالئ تبریز را فرو گرفتند»(شامی،۱۳۶۳: ۹۷) تیمور برای دفع این حمله به فیروزکوه رفت و سید کمال الدین، والی ساری پسر خود سید غیاث الدین را با لشکری به درگاه تیمور فرستاد تا در سلك دیگر ملازمان تیمور باشد(همان: ٥٦٠).

تیمور در ادامه به مقابله با ملك عزّ الدین والی مملکت لر کوچك که قافله حجاج را غارت کرده بودند، شتافت و توانست آن ها را به سزای اعمال خود برساند. تیمور بروجرد را غارت کرد و حصار خرم آباد را ویران ساخت (میرخواند،۱۳۷۳ :۱۰٤٤/٦). تیمور بعد از تنبیه حاکم لر کوچک تبریز را تسخیر کرد.(یزدی، ۱۳۸۷: ٥٦٢/١) او بعد از فتح تبریز به سمت نخجوان روانه شد و توانست در این مناطق تمام قلاع را تصرف کند. تیمور پس از فتح در سرزمین های شمالی و شمال غربی فرستاده ای به سمت سلطان زین العابدین حاکم شیراز فرستاد و درخواست اعلام اطاعت و پیروی را داشت اما ایلچی را بازداشت(سمرقندی،۱۳۷۲ : ٥٩٥/١). زین العابدین همانند پدرش شاه شجاع مطیع نشد و همین امر موجبات حمله تیمور به اصفهان و سپس شیراز را فراهم آورد. تیمور از راه همدان و گلپایگان به سوی اصفهان رفت. تیمور در اصفهان با شورش علی کچه پا روبه رو شد که نزدیک به سه هزار نفر از افراد تیمور کشته در این شورش کشته شدند. (یزدی،۱۳۸۷: ٥٨٧/١).تیمور با شنیدن این خبر دستور قتل عام اصفهانیان را صادر کرد.(شامی،۱۳٦۳: ۱۰٥). تیمور پس از این کشتار وحشیانه به شیراز لشکر کشید و شاه منصور زین العابدین را گرفته و حبس نمود. (سمرقندی،۱۳۷۲: ٥٩٧/١).

به دنبال بازگشت تیمور به سمرقند برای سرکوبی توقتمش خان یورش سه سال پایان یافت.

تیمور پس از سر و سامان دادن به سمرقند و شکست توقتمیش خان بار دیگر به ایران حمله کرد (شامی،۱۳٦۳: ۱۲۵). او در طی این حمله که به یورش پنج ساله معروف است، و از سال ۷۹٤ه.ق شروع شد، به مانند یورش سه ساله ابتدا به مناطق شمالی رفت و از طریق ابیورد، خبوشان (قوچان) و از حاشیه رود گرگان وارد استراباد شد(معطوفی،۱۳۸۷: ۲۹۱). پس از استراباد تیمور عزم آمل و قلعه ماهانه سر شد. و پس از فتح قلعه ماهانه سر و شکست سادات حاضر در قلعه، از مازندران به سوی دامغان و سمنان و ریّ رفت. تیمور در ادامه به کردستان و قلعه سنقور رسید و غلات این مناطق را غارت کرد.(شامی،۱۳٦۳: ۱۳۰). تیمور در ادامه برای مقابله با شاه منصور مظفری به سوی شیراز لشکر کشی کرد. در طی این جنگ امیرزاده شاهرخ فرزند تیمور، شاه منصور را کشت .(یزدی،۱۳۸۷ : ۷۱٦/۷۱۵/۱) تیمور سپس امیر زاده عمر شیخ را به حکومت شیراز منصوب کرد. (سمرقندی،۱۳۷۲ : ۶۷۰/۱).

تیمور بعد از حذف مظفریان با سپاهیان خود عازم آذربایجان و ری و دربند باکو و شروانات شد. بعد از این فتوحات، توانست بغداد را فتح کند. تیمور امیرزاده محمد سلطان را به ضبط فارس و خوزستان مأمور ساخت و امیر زاده عازم هرموز شد و امیرزاده رستم را نیز از راه لرستان به ولایت مکران فرستاد که به اتفاق امیر ایدکو برلاس و لشکرهای کرمان تاخت کیج و مکران کنند(سمرقندی،۱۳۷۲ : ۷۲۹م۷۲۸/۱) و ولایات آنجا را تسخیر کرد. تیمورسرانجام عازم سمرقند شد و یورش پنج ساله پایان یافت.

تیمور در سال ۸۰۱ ه ق و به دنبال وصول اخباری مبنی بر آشفتگی آذربایجان و هجوم گرجی ها و ارمنی ها به این مناطق و همچنین مشکلات روحی و روانی میرانشاه پسرش و اقدامات خلاف عقل او بار دیگر حملات خود به خاک ایران را از سر گرفت. (شامی،۱۳٦۳: ۲۱۲ -یزدی،۱۳۸۷ : ۹۹۱/۲) تیمور با حضور دوباره در ایران فرمانی مبنی بر مجازات ملازمان میرانشاه صادر کرد. (یزدی،۱۳۸۷: ۱۰۰۰/۲) تیمور پس از آن ملک آذربایجان را به پسر میرانشاه، امیر زاده ابوبکر تفویض فرمود(سمرقندی،۱۳۸۲: ۳۳۱) با خیالی آسوده به سمت گرجستان رفت. امیر تیمور پس از تاخت وتاز ها در گرجستان، قلعه سیواس را به تصرف درآورد و پس از این موفقیت متوجه جنوب سوریه گردید.(قزوینی،۱۳۸٦: ۲۱۸) تیمور در حدود انگوریه۱ با سلطان ایلدرم بایزید، پادشاه روم، جنگ مهمی نمود و پیروز شد و لشکر جغتای بر تمام بلاد روم مستولی شدند.(همان: ۲۱۸) تیمور سرانجام به سمرقند بازگشت و برای فتح چین آماده شد. اما تیمور در این مسیر احساس بیماری نمود. وی در هفدهم شعبان ۸۰۷ ه. به حیات پرماجرای خود پایان داد(راوندی،۱۳٥٤: ۳٥۸/۲)

۳. پیامدهای اقتصادی حملات سه‌گانه تیمور

۳-۱. ازبین رفتن نیروی کار

تیمور فرمانروایی بسیار سفاک بود و در نبردهای خود خشونت زیادی به خرج می‌داد. (گروسه،۱۳۶۵: ۶۷۹) برپایه همین سفاکی بود که کشتار و قتل عام تا حدی که منجر به نقصان جمعیت شود، یکی از ابزارهای سیاسی و نظامی او برای پیش برد اهدافش بود. بدین ترتیب در نبردهای او تعداد زیادی از نیروی کار و تولید کشته می‌شدند.

تیمور در جریان سرکوبی قیام مردم سبزوار در سال ۷۸۵ق۱۳۸۳/م به رهبری شیخ داوود سبزواری، فرمان داد، نزدیک به دوهزار تن از قیام کنندگان را لای دیوار برج یا مناری گذاشته و زنده به گور کنند (میرخواند،۱۳۷۳ : ۱۰۴۱/۶) و سبزوار را که مرکزیتی اقتصادی کشاورزی بود را خالی از جمعیت کرد. کشت و کشتار تیمور و از بین بردن نیروی انسانی محدود به سبزوار نبود بنا بر روایت شامی تیمور در سیستان نیز مردم را قتل عام کرد. «خلقی انبوه از سیستانیان۲ بقتل آمدند و بقیّه را دوانیده بحصار رسانیدند و از سرهای بریده سارها و گل‌تودها ۳ ساختند»(شامی،۱۳۶۳ : ۹۲) کلاویخو نیز قتل‌عام تیمور را به تصویر کشیده و می‌نویسد« در بیرون

---

۱ – انگوریه. [اَ ری یَ] (اِخ) یا (انقره یا آنکورا) آنکارا پایتخت فعلی ترکیه گفته می شود. در کتیبه‌های سلجوقی و بر سکه‌های ضرب شده در آنکارا نام این شهر همه جا آنکارا، در تاریخ ابن بی‌بی انکوریه و انگوریه (ص ۵، ۴۴، ۴۷، ۲۱۲، ۲۱۴ و ۳۳۲)و در آثار عصر ایلخانان، انگوریه ثبت شده است.

۲ – منظور زابل یا همان زابلستان است.

۳ – سارها به معنی مناره‌ها و گل تودها نیز معنی تپه ساختن و بر هم انباشتن تپه وار است.

دامغان به فاصله یک تیر پرتاب، دو برج دیدیم که بلندی آن ها بقدر یک سنگ پرتاب بود. هر دوی آنها با استخوان سر انسان ساخته شده بود.»(کلاویخو،۱۳۴۴ : ۱۸۱)،،

اوج این کشتارها و ساخت کله مناره ها در شهر اصفهان روی داد تا جایی که به قول شامی« حکم نافذ شد تا هفتاد هزار عدد سر آدمی بظاهر اصفهان جمع کردند نمونهٔ روز رستاخیز در آن شهر ظاهر شد.»(شامی،۱۳۶۳ : ۱۰۵) نظنزی می‌نویسد« درتمامت ظاهر و باطن شهر قریب هزار منار سر بریده مرتفع شد.»(نطنزی،۱۳۳۶ : ۳۳۶) یزدی نیز اوضاع اسفناک و میزان قتل عام تیمور و سپاهیانش در اصفهان به تصویر کشیده و می‌نویسد« اوضاع چنان به وخامت رفت که دیگر سر آدمی ارزش نداشت به نحوی که بعضی لشکریان نمی‌خواستند به دست خود مباشر قتل شوند سر از یاساقیان ۱ می‌خریدند و می‌سپردند، و در اوایل حال سری به بیست دینار کپکی۲ بود، و در اواخر که هرکس حصهٔ خود سپرده بودند، یك سر به نیم دینار آمده بود و کس نمی‌خرید، و همچنان هرکه را می‌یافتند می‌کشتند.(یزدی،۱۳۸۷ : ۵۸۸/۱)

در واقع تیمور با این کشتارها ، هر آن چه از نیروی کار که بنیان اصلی اقتصاد بر آن استوار بود را به دیار نیستی فرستاد و بحران اقتصادی زیانباری را به ایرانیان تحمیل کرد. اکثر شهرها ی ایران در طی یورش های تیمور با شمار تلفات بالا فتح شدند.شهر دیگر طوس بود که بنا بر روایت حافظ ابرو «در آن هم حکم شد که هر لشکری باید سری بیاورد تا بر دروازه ها منار سازند و قتل بسیار و هلاک بسیار در آن حکم واقع شد.»(حافظ ابرو،۱۳۸۰ : ۷۱۱/۲) دوازده هزار از مردم طوس قتل عام شدند.(خوافی،۱۳۳۹ : ۱۳۰) شهر یزد نیز بی نصیب نماند . بنا بر روایت کاتب« در طی محاصره چهار ماهه قریب سی هزار آدمی بمردند و بر سر راه ها و کوچه ها افتاده بودند و همه خرابه ها از مردگان پر کردند و گند شهر به بیرون می رسید.»(کاتب،۱۳۵۷ : ۹۰)

تیمور در آمل نیز کشتار فجیع به راه انداخت.(زرین کوب،۱۳۴۸ : ۵۹۷) حضور تیمور و لشکرش در خوزستان، کردستان، تبریز، مکران، هرمز و سرتاسر مکان هایی که رفت، بدون کشتار نبود. به جز گیلان وشیراز که با قبول مال امانی جان سالم به در بردند و گرنه هر جا حضور یافت به دنبال موکب خود جوی خون جاری کرد.(همان : ۵۹۳) افرادی که قتل عام شدند، کسانی بودند که چرخه اقتصادی یمناطق مختلف مملکت را به حرکت در آورده بودند. همین افراد بودند که در کارگاه ها، بازارها، دکان ها و زمین های کشاورزی و دامداری مشغول به فعالیت بودند. اما هم اکنون سر آن ها مصالح ساخت کله مناره هایی شد که گوش عالمیان با شنیدن این اقدامات شنیع خراش می یافت. شمار دیگری از نیروی های کار مجروح و از کار افتاده شدند و دیگر توان کار کردن را نداشتند و یا به اجبار تبعید و کوچانیده شدند و یا با پای خویش به سوی مکانی دیگر مهاجرت کردند. ثمره این یورش ها تخریب و تعطیلی کارگاه ها و از بین رفتن نیروی کار و نتیجه آن نابودی چرخه اقتصاد کشور بوده است.

۳ -۲. بروز قحطی

هر چند قحطی در بسیاری موارد ناشی از قهر طبیعت است. اما جنگ‌ها هم در طول تاریخ بستر ساز قحطی شده است و در واقع یکی از پیامدهای جنگ است. در جنگ با از بین رفتن نیروی کار و به دنبال آن کاهش تولید محصولات بروز پیدا می کند و کالاهای اساسی مورد نیاز مردم کاهش می یابد. بالتبع اکثریت جامعه توان تأمین وعده های غذایی روزانه خود را از دست می دهند. از طرف دیگر مدت زمان به نسبت طولانی لشکر کشی‌های تیمور یعنی ۱۵ سال مجموع هر سه حمله و تامین آذوقه لشکر که از مناطق مختلف مورد حمله و یا شهرها و روستاهای سرا راه سپاه تامین می‌شد، تاثیر زیادی در ایجاد قحطی داشت. بنا بر روایت کاتب در محاصره چهار ماهه یزد به توسط تیمور، قحطی ایجاد شد. « در اندرون شهر قحط واقع شد و یک من غلّه به قیمت صد و بیست دینار رسید و قحطی به جایی رسید که خر و اسب و سگ و گربه بخورند.»(کاتب،۱۳۵۷ : ۹۰) در اصفهان نیز تمام آن شهر یک اسب و یک قاطر و الاغ و یک سگ وجود نداشت و سکنه اصفهان تمام جانوران را از فرط گرسنگی خورده بودند.(برایون،۱۳۷۲ : ۱۰۳) شهر دیگری به دلیل حملات تیمور دچار قحطی شد، تبریز بود. بنا بر روایت خوافی در تبریز « در سال ۷۹۰ ه ق قحط و عسرت عظیم واقع

---

۱ – در منابع در کنار کلمه جار آمده و به معنی آن چه از قرامین شاه که باید به گوش مردم برسد. به معنی جارچیان (نطنزی، ۱۳۳۶: ص۲۹۲)

۲ – نوعی دینار و تومان که در عهد مغول و تیموریان و صفویان متداول بود. (فرهنگ فارسی معین).

شد چنان که صد هزار انسان هلاک شدند.(خوافی،۱۳۳۹ : ۱۳۰) سمرقندی نیز این قحطی تبریز را انعکاس داده استبنا به روایت سمرقندی در تبریز« یك من نان به سنگ تبریز به ده دینار بغدادی یافت نمی‌شد.»(سمرقندی،۱۳۷۲ : ۶۰۸/۱) قحطی در مازندران نیز به دنبال حملات تیمور ایجاد شد. بنا بر روایت مرعشی «در مازندران هم عورات پیر و ضعفاء و اطفال به گرسنگی بمردند چون در مازندران یك من غلّه نماند که کسی تخم کند، و خانه و آدمی نبود، و آنچه بودند از گرسنگی هلاك شده بودند.»(مرعشی، ۱۳۶۱ : ۲۳۷) کلاویخو دلیل این قحطی‌ها را ازدیاد قشون تیمور می‌داند که منجر به کمیاب شدن مواد خوراکی و غذایی می شود.(کلاویخو،۱۳۴۴ : ۲۸۴)

با این وجود در بعضی از مناطق هم چون سمرقند که به دلیل تجمه بازرگانان و منتقل شدن غنایم جنگی و ثروت به آنجا انواع کالا به وفور یافت می شود. بنا بر روایت کلاویخو ارزانی و فراوانی در سمرقند به حدی زیاد بود «گوسفندان آنچنان فراوانند که حتی هنگامی که تیمور با سپاهیانش درین حدود هستند، یک جفت گوسفند را در بازار می توان بقیمت یک دوکا (در حدود شش شیلینگ) خرید.»(کلاویخو،۱۳۴۴ : ۲۸۴)

۳-۳. تخریب شهرها

هر چند حجم تخریب شهرها درحملات تیمور بسیار کمتر از حملات اولیه چنگیز خان مغول است که شهری چون نیشابور را چنان ویران کرد که به کشتزار مبدل شد اما حملات تیمور نیز برج و باروها و قلاع عظیمی را در هم شکست. عدم مقاومت در برابر تیمور و اظهار اطاعت به موقع نسبت به او از جانب حکام ایالات می توانست تا حدودی سازه‌های شهری را حفظ کند، همانگونه که در ابتدای حضور تیمور در خراسان و پیش از یورش های سه گانه در سرخس، ملک محمد برادر ملک غیاث الدین حاکم آل کرت ، «احرام اخلاص بسته، به درگاه عالم‌پناه آمد و به عزّ بساط بوس فایز شده، به انواع نوازش و سیورغامشی شرف اختصاص یافت»(یزدی،۱۳۸۷ : ۴۹۱/۱) و در نتیجه آن سرخش از گزند حملات تیمور و خرابی نجات پیدا کرد. یا هنگام ورود به کوسویه،[۱] در نزدیکی هرات، پهلوان مهدی که حاکم کوسویه بود از تیمور «استقبال نموده، به عزّ بساط بوس سرافراز گشت و اهالی آنجا را از عبور عساکر گردون مآثر ضرری نرسید»(همان: ۴۹۲/۱). با این وجود اظهار سرسپردگی همیشه اسباب نجات منطقه و یا شهر از تخریب نبود. تیمور در محاصره قلعه فوشنج، با وجود اظهار سر سپردگی به قلعه حمله کرد بنا بر روایت یزدی «باز غضب، نصیب اهالی قلعه شد و دست تسلط به غارت و تاراج برآورده، قلعه را از هرچه بود، بپرداختند و خراب ساختند»(یزدی،۱۳۸۷ : ۴۹۴/۱)

حافظ ابرو به تخریب قلاع به توسط تیمور اشاره کرده و می‌نویسد«هرجا که حصار و قلعه ی بود به قهر و قسر تا روی زمین پست گردانید».(حافظ ابرو، ۱۳۸۰ : ۸۱۶/۲) بنا بر روایت ابن عربشاه تیمور منطقه سیستان را تخریب کردو هر جا بنائی دید، ویران ساخت.(ابن عربشاه،۱۳۵۶ : ۲۷) میرخواند نیز این روایت ابن عربشاه در مورد تخریب سیستان را تایید کرده و می‌نویسد« هر چه در شهر بود حتی میخهای دیوار به تاراج رفت.»(میرخواند،۱۳۷۳ : ۱۰۴۱) تخریب تیمور تنها محدود به سیستان نبود . بنا بر روایت اسفزازی تیمور قلعه ترشیز را نیز ویران کرد و شدت تخریب به حدی بالا بود که دیوار ضخیم قلعه ویران شد. بنا بر روایت اسفزازی. «قلعه ترشیز نیز بزخم رعد سنگ و منجنیق، و اراده بروج و باره درهم شکست، و قلعه سی گز دیوار بسبب نقب بیفتاد»(اسفزاری،۱۳۳۸ : ۴۲/۲) شدت حملات وتخریب در حمله اول به حدی بالا بود که تیمور علیرغم علاقه به سادات و احترام آنان، قلعه ماهانه سر، محل حضور سادات مرعشی را آتش زدند(مرعشی، ۱۳۶۱ : ۲۳۴). در قسمت شمالی ایران، فیروز کوه هم از تخریب و ویرانی در امان نماند. بنا بر روایت کلاویخو تیمور «به هنگام عبور از این حوالی آن حصار را در محاصره گرفت و آنرا ویران ساخت.»(کلاویخو،۱۳۴۴ : ۱۷۹) کلاویخو در طول طی کردن مسیر خود بارها با این چنین فجایعی روبه رو شد، او می نویسد: «زمانی که به آهوان دهکده بزرگی که در کنار رودی قرار گرفته است، رسیدیم دو دژ برای دفاع آن ساخته شده بود که اخیراً هر دوی آنها را ویران ساخته اند».(همان : ۱۸۱) کلاویخو همچنین شاهد خرابی و ویرانی که تیمور در قزوین به بار آورد بوده و می‌نویسد« سرانجام به شهری رسیدیم که قزوین نام داشت درینجا بیشتر خانه ها روبه ویرانی گذاشته است.»(همان: ۳۰۳) میزان تخریب در شهر خوارزم

---

۱ – کوسویه یا کهسان امروزین از توابع فوشنج باستان می‌باشد . این منطقه در غرب هرات واقع شده و در حال حاضر یکی از شهرستان‌های مشهور هرات به‌شمار می‌رود.

بیشتر از سایر شهرها بود بنا بر روایت یزدی تیمور در پنج مرحله به این شهر هجوم آورد و این شهر را به گونه‌ای ویران ساخت کـه در آن جو کاشتند.(یزدی،۱۳۸۷ : ۶۰۰/۱) تیمور در حرکت به سمت غرب ایران، دو شهر بروجرد و خرّم‌آباد را ویران کرد.(شـامی،۱۳۶۳ : ۹۹) سمرقندی نیز شدت این تخریب را به تصویر کشیده و می‌نویسد «خرم‌آباد را غم‌آباد نمود».(سمرقندی،۱۳۷۲ : ۵۸۶/۱)

نکته حائز اهمیت آن است که فرستادگان تیمور نیز همچون خود به تخریب شهرها دست مـی‌زدنـد و بـرای جلـب رضـایت او هـر مسیری را که طی می کردند، به طور کامل به تلی از خاک تبدیل می کردند. یکی از این فرستادگان که مأمور فتح مناطق جنـوبی ایـران شده بود، امیرزاده، محمد سلطان بود که از شیراز به سمت هرمز حرکت کرد و چون به حدود هرمـز رسـید، هفـت قلعـه را در آن نـواحی تسخیر کرده و تخریب نمود. به این ترتیب« قلعه تنگ زندان، قلعه کوشکک، حصار شامیل، هرمـوز کهنـه، قلعـه مینـا، قلعـه منوجـان، قلعه ترزک و قلعه تازیان » تخریب شدند. (میرخواند، ۱۳۷۳ : ۱۰۷۵/۶)

با وجود این میزان از حجم تخریب توسط تیمور نباید از آباد کردن بعضی مکان ها توسـط او نیـز غافـل شـد. بـرای مثـال در دوران تیمور شهر بیلقان[1] آباد شد . شامی آبادانی شهر بیلقان به توسط تیمور را روایت کرده و می‌نویسد« در صـحرایی چنـان بی‌تهیّـهٔ اسـباب و ادوات بمجرّد التفات عالیه چنان عمارتی عالی و شهرستانی رفیع در مـدّت یکمـاه باتمـام رسـید عقـلا بـر ان کـامرانی تعجّـب نمودنـد و جهان‌دیدگان بر ان تمکّن و کارفرمایی آفـرین خواندنـد.»(شـامی،۱۳۶۳ : ۲۸۹) یـزدی نیـز بـه آبـاد کـردن بیلقـان اشـاره کـرده و مـی-نویسد«آری آفرین و احسنت گفتند به ساخت بنایی مشتمل بر سور و خندق و چهـار بـازار و خانـه‌های بسـیار و حمـام و خـان و سـاحه و بستان»(یزدی،۱۳۸۷ : ۱۲۱۹/۲)آباد کردن شهر بیلقان توسط تیمور در مقام مقایسه با حجـم تخریبـی کـه او در سـایر شـهرها و قـلاع ایجاد کرد، بسیار ناچیز بود. البته ساخت بعضی اماکن توسط تیمور نیز جنبه امنیتی داشت همانند ساخت عمـارت قلعـه مبارکـه در یـزد که در جهت اتفاقات و شورشی بود که توسط حاجی آبدار خراسانی روی داد و تیمور در جهت تأمین امنیت حکم داد که قلعه بسـازند کـه داروغه نشین باشد.(کاتب،۱۳۵۷ : ۹۱) پس می توان استنباط نمود که آبادی برخی بلاد در جهت تسهیل حکمرانی و تثبیت حاکمیـت تیمور بوده است.

۳-۴. اخذ مالیات

دریافت وجه الضمان یکی از تاکتیکهای سیاسی تیمور بود و عدم پرداخت آن سرآغاز یورش به یک شهر یا دودمان محلی مـی‌شـد. به طور کلی فاتحان در راستای تامین منافع، پـرداختن مواجـب سـپاهیان و همچنـین تـأمین تـدارکات جنگـی اقـدام بـه اخـذ مالیـات از سرزمین های مفتوحه می کردند. این عمل معمولا با اجبار صورت می گرفت و ممالکی که در جمع آوری مالیات کوتاهی مـی نمودنـد و یا نسبت به آن معترض می شدند، به سختی مجازات می شدند.

تیمور نیز همچون سایر فاتحان با یورش های خود به سمت ایران به اخذ مالیات از شهرهای مختلـف ایـران اقـدام کـرد و گروهـی تحت عنوان محصلان مالیاتی، مأمور دریافت مالیات ها بودند. این مالیات‌ها که تیمور اقدام بـه اخـذ آن از سـاکنان شـهرهای مختلـف می‌کرد، مالیات خارج از عرف و بدون قاعده و قوانین بود و در واقع نشان دهنده سرسپردگی حاکمان و مردم مناطق مفتوحه بود. تیمـور قبل از حمله به هر منطقه و شهری با ارسال نامه‌های تهدید آمیز خواستار سرسپردگی و همچنین پرداخت مالیات می‌شد. آن چنـان کـه او بعد از فتح خراسان نامه ای به شاه شجاع، حاکم مظفری شیراز فرستاد و از او خواست کـه فرمـان وی را گـردن نهـد و بـاج و خـراج دهد. تیمور در نامه خود به حاکم مظفری یادآور می شود که: «...حال اگر جواب موافق گوئی و شیوه اطاعـت گزینـی ایمنـی جـوئی و از نعمت سلامت برخوردار شوی و گرنه باید بدانی که سه چیز با رکاب من ملازمست؛ وبا و خشکسالی و ویرانی(ابن عربشاه،۱۳۵۶ : ۳۱) تیمور، افزون بر شاه شجاع نامه هایي به شاه ولی، فرمانروای مازندران و اسـکندر جلابـی، ارشـیوند و ابـراهیم قمـی فرسـتاد و خواهـان دریافت مالیات شد.(همان : ۳۶) منابع عصر تیموری بخشی از مالیات گیری بی موقع تیمور را در جریان فتوحاتش در ایـران بـه تصـویر کشیدند. بنا بر روایت اسفزاری« در هرات مال (امانی) تحمیل کرده بسه روز ستانیدند» (اسفزاری، ۱۳۳۸ : ۴۱/۲) واله اصفهانی نیـز از

---

۱ – بِیلَقان، یا بیلکان، بیلگان، نام شهر و استانی تاریخی در سرزمین اران می‌باشد. بنا برنوشته‌های جغرافی‌نویسان سده‌های نخستین اسلامی بیلقان میـان دو رود ارس (رَس) و کُـر قـرار داشته است (ابن خردادبه، ۱۵۰؛ ابن رسته، ۸۹) و با محل برخورد این دو رود چندان فاصله‌ای نداشته است.

مالیات گیری تیمور در تبریز را روایت می کند و می نویسد: « ...صاحبقران بعد از تسخیر ممالك آذربایجان در حوالی شنب‌غازان قبّهٔ بارگاه به اوج مهر و ماه رسانیده ... برحسب فرمان، مال امان بر حوالی تبریز حواله رفته به وصول رسید»(واله اصفهانی،۱۳۷۹ : ۱۴۱) واله اصفهانی علاوه بر مالیات گیری تیمور در تبریز به مالیات گیری او در گیلان نیز اشاره کرده و می‌نویسد «همچنین ملوك گیلانات که از رهگذر حصانت و محکمی کوه و جنگل و افزونی آب ولای از دیرباز پشت برکوه نافرمانی پادشاهان والاشأن داشتند در این وقت نسبت به صاحبقران والاشأن از در اطاعت و اذعان در آمده فرزندان و کسان خود را به درگاه والا فرستادند و به قبول باج و خراج، ابواب امن و امان بر روی خود گشادند.»(همان،۱۳۷۹ : ۱۴۴)

یکی از عوامل اصلی که در اکثر منابع برای قتل عام مردم شهر اصفهان ذکر شده است، همین مسئله اخذ مالیات بود که مردم اصفهان ابتداء حاضر به پرداخت آن شدند اما محصلان مالیاتی تیمور را کشتند. بنا به روایت شامی « امیر ایکو تیمور بقلعهٔ طبرك درآمد و مال امان بر اهل شهر مقرّر گردانیدند و امیرزاده تیمور ملك و محمّد پسر سلطانشاه بقبض آن بشهر رفتند و اکابر اصفهان در اورد و توقّف نمودند چون شب درآمد جماعتی از اوباش و ارذال بتسویل نفس شیطانی خروج کردند و از عاقبت کار اندیشه ناکرده محصّلان را کشتند و بسیاری از لشکری که در شهر به مهمّات خود مشغول بودند بدین‌سبب بقتل آمدند»(شامی،۱۳۶۳ : ۱۰۴) اما علت این درگیری و کشته شدن محصلان مالیاتی تیمور این بود که محصلان مالیاتی بر مردم سخت گرفتند و معترض اهل و عیال ایشان شدند.(میرخواند،۱۳۷۳ : ۱۰۴۸/۶)تیمور به قصاص کشتار محصلان مالیاتی، مردم اصفهان را قتل عام نمود. بنابراین مبنای این قتل عام (هفتاد هزار نفر)و ساخت کله مناره ها، اخذ وجوه مالیاتی بود.

تیمور با کشتار مردم اصفهان درصدد بود به دیگر حکمرانان محلی و مردم دیگر شهر ها مناطق مختلف ایران نشان دهد که تمرد نسبت به پرداخت مالیات چه تاوانی دارد. این سیاست تیمور جواب داد و مردم و حکمرانان در دیگر مناطق برای جلوگیری از چنین حوادثی که در اصفهان روی داده بود، تسلیم اوامر ماموران مالیاتی تیمور شدند. در شیراز « تمام اصول و کلانتران و کلویان به احراز سعادت زمین‌بوس شتافتند و بعد از اقامت رسم خاکبوسی، یك هزار تومان کپکی قبول کردند که به خزانهٔ امانی فرود آورند»(یزدی،۱۳۸۷ : ۵۹۰/۱) سادات مرعشی هر چند در ابتدا با تیمور مخالفت ورزیدند اما پس از اطلاع از توان نظامی تیمور و سربازان او، اظهار ندامت نمودند و مالیات پرداهت کردند بنا بر روایت شامی. « در روز سوم سیّد کمال الدین و مولانا عماد الدین بحضرت آمدند و امان طلبیدند فرمود که ملتمس شما مبذول می‌دارم امّا مشروط بدان که هریك از بزرگان و مهتران این ولایت فرزندان خود را با مال چند ساله پیش ما فرستند و چون فرزندان ایشان در کوچها با ما باشند پدران ایشانرا امان دهیم»(شامی،۱۳۶۳ : ۱۲۷).

تهدید تیمور و اعمال خشونت او باعث شد تا در شهر گیلان، سید رضا کیا و امیر محمد رشتی، دو تن از ملوك گیلان، به همراه نمایندگان اعزامی و سرداران گیلان به دربار امیر تیمور رفتند و به پرداخت باج و خراج متعهد شدند. خراج سالیانه‌ای که سلاطین کیا به پرداخت آنها تعهد داده بودند، ده‌هزار من ابریشم (بنا بر وزن معمول شهر ۱۵۰۰۰ من)، هفت هزار رأس اسب و سه هزار رأس گاو بود. اما تیمور رضایت داد نصف سهمیهٔ سید رضی کیا و امیر محمد رشتی و ثلث سهمیهٔ رؤسا کاسته شود.(شریعتی فوکلایی،۱۳۸۸ : ۱۰۵) نکته حائز اهمیت آن است که تیمور در اینجا تخفیف و بخشش مالیاتی برای سادات آل کیا قائل می شود و به نوعی احترام به سادات را دوباره به نمایش می گذارد، چرا که بعد از سخت گیری نسبت به سادات مرعشی برای تحریف اذهان عمومی نسبت به خود، ضروری می نمود که اینچنین اقدامی را انجام دهد. بنابراین با زیرکی تمام به سادات گیلان تخفیف مالیاتی می دهد(لمب،۱۳۸۹ : ۱۵۳) .در تبریز هم میرانشاه راه پدرش تیمور را در پیش گرفته بود و برای خوشگذرانی های خود وهزینه های جانبی روی به گرفتن مالیات آورده بود و در سال ۸۰۷ ق عمر میرزا دستور داد نایبش، بیان قوچین و شیخ خسروشاهی به تبریز بروند. آنان در عرض دو روز از اهالی، دویست تومان پول نقد طلب کردند.(عون الهی،۱۳۸۷ : ۱۱۷) این مالیات گرفتن‌ها که معمولا بدون موقع و از پیش تعین شده نبود لطمات شدید اقتصادی به مردم مناطق مختلف ایران وارد کرد و به فقیر شدن مردم و تخریب هر چه بیشتر شهرها و روستاها انجامید.

۳-۵. لطمه به کشاورزی و محیط زیست

. در اقتصاد پیشاصنعتی، کشاورزی از منابع اصلی ثروت به شمار می آمد و ایرانیان نیز از دیرباز به امر کشاورزی و تأمین آب مورد نیاز از طریق حفر قنوات می پرداختند و مناطق بایر موجود در فلات ایران را آباد می کردند.

با حمله تیمور با آن حجم از سپاه و عبور و مرور احشام همراه او و همچنین جا به جایی ها برای سرکوب معترضان و تأمین خوراک قشون و علوفه چهارپایان، کشاورزی و محیط زیست به شدت در معرض آسیب قرار می گرفت. آن چنان که در تزوکات تیموری هم ذکر شده « سپاه را حاضر نگاه داشتم و علوفه ایشان را پیش از طلب میدادم چنانچه در یساق روم هفت ساله علوفه از گذشته و آینده به سپاه دادم.» (تربتی، ۱۳۴۲ : ۲۰۸) با توجه به این روایت تزوکات تیموریمی‌توان حدس زد که هزینه این علوفه ها و تأمین آن با این حجم که حتی آینده پیش روی سپاه و زمان طولانی شدن جنگ را هم مد نظر قرار می‌داد. چه لطمات زیانباری حیطه ی کشاورزی و محیط زیست وارد می‌کرد. بالتبع تدارک این حجم زیاد از محصولات کشاورزی، فشارهایی را بر کشاورز وارد می کرده است که باید محصول خود را بدون اعتراض تقدیم تیمور و ماموران وی می کردند. تیمور خود معترف است که آذوقه قشون خود و علیق چهارپایان و آذوقه روستائیان و نجاران را با چپاول بدست می آورد.(برایون، ۱۳۷۲ : ۵۳). کاملا واضح است که پیامد و نتیجهٔ اینچنین اقدامات و فشارهایی که ماموران تیمور بر روستاییان و کشاورزان وارد می نمودند، رها نمودن زمین و ترک کشت و کشاورزی بوده است. اما لطمات تیمور به حوزه کشاورزی و محیط زیست صرفا محدود به تامین آذوقه سپاه نبود. بنا بر روایت ابن عربشاه در زمان یورش تیمور به شهر سیستان« به هر گوشه درخت و گیاهی یافت از ریشه برانداخت در تنی توانی و از چیزی نشانی بر جای نگذاشت.»(ابن عربشاه، ۱۳۵۶ : ۲۷) یزدی نیز روایت ابن عربشاه در باب تخریب تیمور در حوزه کشاورزی در سیستان را تایید کرده و می‌نویسد«وچون لب آب هیرمند مضرب خیام نزول همایون گشت، از زلزلهٔ جوش سپاه تسلط نشان و آسیب صدمهٔ استیلا و تخریب ایشان لرزه بر بند رستم افتاد، چنانچه مفاصلش از هم برآمد و آن را نیز خراب کرده از آن اثر هم اثری نماند.»(یزدی، ۱۳۸۷ : ۵۴۰/۱) در واقع تخریب بند رستم یکی از نتایج منفی حضور سربازان و تاختن اسبهای آنها بود.

غیر از سیستان، حملات تیمور در سایر مناطق ایران نیز آسیب‌هایی به محیط زیست وارد کرد. در واقع تیمور و سپاهیانش دست به سوزاندن کشت ها و خرابی باغات و قنوات و بندها می زدند. آنها جنگل ها و درختان را قطع می کردند تا راه بسازند و از چوب آن ها برای ساخت منجنیق و پل های متحرک که یکی از روش های تیمور برای فتح قلعه ها بود، استفاده کنند.بنا بر روایت میرخواند تیمور در شاسمان[1] در حوالی گرگان دستور داد تا بر بر روی جویها و رودخانه پل بسازند و درختان بیشه را قطع کنند و راه بسازند.(میرخواند، ۱۳۷۳ : ۱۰۴۲/۶) و همین راه های عبوری برای رسیدن به تسخیر قلاع منجر به از بین بردن محیط زیست و جنگل ها می شد. میرخواند در جای دیگر روایت می‌کند که سپاهیان تیمور به هنگام تعقیب اسکندر شیخی در چلاو که دره ای عمیق و پر درخت بود، به بالای کوه جهنم دره برآمدند و جنگلها را بریده راه ساختند.(همان: ۱۱۱۷/۶) جنگل های شمالی و هیرکانی در معرض مداوم قطع و راه ساختن برای عبور و مرور سپاه تیمور بود بنا بر روایت نطنزی لشکریان تیمور روزانه به طول یک فرسخ از درختان جنگل های هیرکانی را برای ایجاد راه قطع می‌کردند.(نطنزی، ۱۳۳۶ : ۳۲۶) بنا بر روایت حافظ ابرو « در آمل دیه های پرغله و اجناس و چهارپایان فربه بودند مرفّه و آسوده شدند چون روی به ماهانه سر (از قلاع خاندان مرعشي. ابن اسفندیار) نهادند. حکم شد که هر جنگل و بیشه که پیش می آید درختها را از بیخ برکنند خار و خاشاک و چوب بر آن لایها می اندازند تا راه چنان می شود که سوار بتواند گذشت». (حافظ ابرو، ۱۳۸۰ : ۷۴۶/۲) در زمان قتل عام مردم اصفهان نیز تیمور دستوراتی مبتنی بر نابودی آبادیها و سوزاندن کشتزارها صادر نمود.(ابن عربشاه، ۱۳۵۶ : ۴۹). سپاه تیمور به چگونگی گرد آوری علوفه ها و تحمیل خسارت به کشاورزان هیچ توجهی نمی کرد و از همه منابع طبیعی در راستای تحقق اهداف سیاسی نظامی خویش بهره می برند. رنه گروسه مورخ فرانسوی پیامدهای زیانبار حملات تیمور به کشاورزی و محیط زیست را این گونه تصویر می‌کشد: « اما این بیابان گردان رسیدند و درخت را کندند بساتین را خشکاندند. مختصر آبی را که بود بباتلاقها روانه نمودند و اراضی قابل درختکاری را بصحرا مبدل

---

۱ – شاسمان نام روستایی در نزدیکی گرگان و استراباد است.

ساختند».(گروسه، ۱۳۶۵ : ۷۰۵)

تیمور و سپاهیانش علاوه بر قطع درختان و تخریب جنگل‌ها با شکار های بی رویه خود نیز حیات وحش و زندگی حیوانات را به خطر انداختند. شکار جزء تفریح های تیمور و فرزندانش بود. بنا بر روایت سمرقندی « حضرت صاحب قران دوم شعبان در آن بیابان بی‌پایان میل شکار نموده و بعد از دو سه روز جرگه به هم رسیده آهوی سفید و قوچ و میش کوهی و گوزن بسیار گرفتار شد.»(سمرقندی، ۱۳۷۲ : ۶۹۹/۱) و در یکی از همین شکار حیوانات بود که فرزند تیمور، میرانشاه قوچ کوهی را زنده گرفته بود « به قرپوس زین رسانید و صید طپیده و اسب رمیده آن شهسوار شیر شکار را ز پشت زین بسر و گردن بر روی زمین افتاد»(خواندمیر، ۱۳۸۰ : ۴۸۱/۳)

نتیجه گیری:

جنگ‌ها و حملات همواره با خود ویرانی، تخریب و پیامدهای منفی به دنبال دارند. حملات سه گانه تیمور به ایران نیز از این قاعده مستسنی نیست. تیمور در حملات خود به مناطق و شهرهای مختلف نیروی جوان و جنگی را قتل عام و از این طریق نیروی کار را در بیشتر مناطقی که مورد حمله او قرار گرفت، از بین رفت. بدون تردید از بین رفتن نیروی کار ضربه مهلکی بر پیکره اقتصادی این مناطق بود. علاوه بر آن حملات سه گانه تیمور به فاصله بسیار کمی از هم به قوع پیوست و در تامین علوفه اسبان، تغذیه سربازان جنگی و تامین حقوق آنها که از مناطق تحت تصرف و حمله وصول می‌شد، باعث لطمه به کشاورزی و محیط زیست مناطق تحت حمله شد چرا تامین این میزان علوفه و تغذیه از توان این مناطق خارج بود و به قحطی در این مناطق منجر شد.

فارق از پیامدهای منفی فوق الذکر تیمور در حمله در طی سه حمله خود به ایران در بعضی از شهر و مناطق با مقاومت اهالی آن منطقه روبه‌رو می‌شد لذا دستور تخریب آن شهر و قلعه را صادر می‌کرد. هر چند هدف تیمور از تخریب قلعه‌ها بیشتر مسائل نظامی بود در واقع تیمور با تخریب قلعه‌ها امکان هرگونه تهدید برای آینده را از بین می‌برد. هر چند پیرامون تخریب، ویرانی و پیامدهای حملات تیمور به ایران به نسبت حمله چنگیز در منابع تاریخی کمتر روایت شده است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که حملات تیمور نیز دست کمی از حمله مغولان و چنگیز نداشت. چرا که حمله چنگیز یک مرحله و دامنه تخریب بیشتر محدود به منطقه خراسان و ماورالنهر بود اما حملات تیمور در سه مرحله صورت گرفت و بیشتر مناطق و شهرهای ایران در شرق و غرب از گزند تخریب و ویرانی در امان نماند.

سیاست وراهبردهای تیمورگورکان در کشورگشایی و مملکت داری، یک دوره جنگ و تخریب و در پی آن ایجاد امنیت و رونق تجارت بود. او با کشتارهای دسته جمعی و با ویران نمودن قلاع، شهرها و سایر تاسیسات شهری آن زمان و همینطور با از بین بردن کشتزارها ئو منابع آبی، باعث شد تا همه تعداد قابل تجوهی از جمعیت فعال ایران در عرصه های مختلف اقتصادی از بین بروند و هم باعث کوچ صنعتگران گردید مخروبه کردن شهرها و تحمیل وجه الضمانها و مالیات‌های سخت و ایجاد قحطی ضربات سنگینی به اقتصاد کشاورزی محور فلات ایران زمین وارد کرد

منابع:

۱. ابن عربشاه، زندگی شگفت آور تیمور، ترجمه محمد علی نجاتی، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ١٣٥٦ه.ش.

۲. آژند، یعقوب، تاریخ ایران : دوره تیموریان، جامی، تهران - ایران، ۱۳۷۹ ه.ش.

۳. اسفزاری، معین الدین محمد، روضات الجنات في أوصاف مدينة هرات، جلد: ۲، دانشگاه تهران، تهران - ایران، ۱۳۳۸ ه.ش.

٤. برایون، مارسل، منم تیمور جهانگشا سرگذشت تیمور لنگ به قلم خود او، ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصوری، چ١٤، مستوفی، ١٣٧٢ه.ش.

٥. تربتی، ابوطالب حسینی، تزوکات تیموری، ترجمه فارسی با ترجمه انگلیسی آن از روی چاپ ۱۷۷۳ شهر آسفرو بطریق افست نقل شد به اهتمام کتابفروشی اسدی، تهران، ١٣٤٢ه.ش.

٦. حافظ ابرو، زبده التواریخ، مقدمه و تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی، جلد: ۱و۲ ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ ه.ش.

۷. خوافی، فصیح احمد بن جلال الدین محمد، مجمل فصیحی، جلد: ۳، به تصحیح و تحشیه محمود فرخ، باستان مشهد، طوس - مشهد، ١٣٣٩ه.ش.

۸. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، با مقدمه جلال الدین همایی، جلد: ۳، چ٤، خیام، ١٣٨٠ه.ش.

۹. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد: ۲، امیر کبیر، تهران - ایران، ۱۳۵۴ ه.ش.

۱۰. زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، چ ۷، سخن، ١٣٨٤ ه.ش.

۱۱. سمرقندی، دولتشاه، تذکره الشعرا، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، اساطیر، تهران - ایران، ۱۳۸۲ ه.ش.

۱۲. شریعتی فوکلایی، حسن، حکومت شیعی آل کیا در گیلان، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۸ ه.ش.

۱۳. عبدالرزاق سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، جلد: ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران - ایران، ۱۳۷۲ ه.ش.

١٤. علی یزدی، غیاث الدین، سعادت نامه یا روزنامه غزوات هندوستان، به کوشش ایرج افشار، چ۱، میراث مکتوب،١٣٧٩ه.ش.

۱۵. عون‌الهی، سید آقا، تاریخ پانصد ساله تبریز از آغاز دوره مغولان تا پایان دوره صفویان، امیر کبیر، تهران - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش

۱۶. قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، لب التواریخ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

۱۷. کاتب، احمد بن حسین بن علی، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، چ۲، امیرکبیر، ١٣٥٧ه.ش.

۱۸. کلاویخو، گنزالس، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، چ۲، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ١٣٤٤ه.ش.

۱۹. گروسه، رنه، امپراطوری صحرا نوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، چ۲، علمی و فرهنگی، ١٣٦٥ه.ش.

۲۰. لمب، هارولد، تیمور لنگ فاتح جهان، ترجمه علی جواهر کلام، چ۱، نیلوفرانه، قم، ١٣٨٩ه.ش.

۲۱. مرعشی، ظهیرالدین بن نصیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، مؤسسه مطبوعاتی شرق، تهران - ایران، ۱۳۶۱ ه.ش.

۲۲. معطوفی، اسدالله، گرگان و استرآباد سنگ مزارها و کتیبه های تاریخی (نگاهی به معماری آرامگاهی و شیوه‌های تدفین در ایران و گرگان)، حروفیه، تهران - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش.

۲۳. ملکم، جان، تاریخ کامل ایران، جلد: ۱، افسون، تهران - ایران، ۱۳۸۰ ه.ش.

٢٤. میرخواند،محمد بن خاوند شاه بلخی، روضه الصفا، تهذیب و تلخیص عباس زریاب خویی، جلد: ٦ ، علمی، تهران - ایران ١٣٧٣ه.ش.

۲۵. نطنزی، معین الدین، منتخب التواریخ معینی، به تصحیح ژان اوبن، خیام، تهران، ١٣٣٦ه.ش.

۲٦. نظام‌الدین شامی، ظفر نامه / شامی، بامداد، تهران - ایران، ۱۳۶۳ ه.ش.

۲۷. واله اصفهانی، محمد یوسف، روضه های ششم و هفتم از خلد برین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران - ایران، ۱۳۷۹ ه.ش.

۲۸. یزدی، شرف الدین علی، ظفر نامه / یزدی، جلد: ۲/۱ مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد، تهران - ایران، ۱۳۸۷ ه.ش